

اشکال و انواع فساد

بر اساس مبانی مختلف، می توان طبقه بندی های متعددی از فساد ارائه داد که به برخی از آنها اشاره میشود:

الف) طبقه بندی بر اساس موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد میشوند.

بر اساس این طبقه بندی، فساد را به هفت قسم میتوان تقسیم بندی کرد:

قسم اول، فساد سیاستمداران است که به دلیل داشتن موقعیتهای مهم و تعیین کننده در احزاب و به طور کلی در گروههای سیاسی پروانه دار و یا بدون پروانه، از نفوذ قابل توجهی در دستگاه های اجرایی برخوردارند. این دسته ممکن است دارای جایگاه سازمانی در حکومت نباشند.

قسم دوم، فساد مدیران عالی رتبه دولت است که به دلیل داشتن موقعیت بالای اداری، نقش ممتازی در صدور مجوزها، موافقت با اعطای تسهیلات، واگذاری پروژه های عمرانی و یا اتخاذ تصمیمات نظارتی و قضایی دارند.

قسم چهارم، کارمندان جزء هستند که در تصمیم سازی ها و تصمیم گیری نقش کمی دارند و به طور معمول به علت پایین بودن بیش از حد حقوق و مزایا، مرتکب فساد بسیار خرد می شوند؛ مانند: فساد مالی کارکنان بخشهای مختلف دولت در رابطه با قاچاق مواد مخدر در کشورهای آمریکای لاتین و ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورها. این دو قسم فساد را میتوان فساد اداری نیز نامید.

قسم پنجم، اشخاصی هستند که در یک مقطع زمانی در استخدام سازمانهای دولتی بوده اند، ولی در زمان ارتکاب فساد هیچگونه رابطه استخدامی با دولت ندارند؛ مانند: اعمال نفوذهای احتمالی برخی از افراد بازنشسته، بازخرید شده مستعفی و اخراجی در دستگاههای دولتی.

قسم ششم، اشخاصی هستند که در طول خدمات اداری در سازمانهای مختلف دولتی فعالیت می کنند و از زمینه آشنایی و نفوذ خود در سازمانهای مذکور سوءاستفاده می نمایند.

قسم هفتم، اشخاصی هستند که هیچگونه جایگاه سیاسی و اداری ندارند و به طور کامل در قلمرو بخش خصوصی قرار میگیرند؛ ولی مرتکب مصادیقی از فساد همچون قاچاق کالا، اخلال در نظام اقتصادی کشور، تحصیل مال از طریق نامشروع، اعمال نفوذ، تخلفات اقتصادی مشمول قوانین و مقررات تعریضات حکومتی و رباخواری میشوند.

البته از ترکیب این دسته ها طبقات دیگری را هم میتوان احصا کرد که برای جلوگیری از اطاله کلام به آنها پرداخته نمیشود.

ب) طبقه بندی بر اساس میزان و حجم فساد

در این نوع طبقه بندی، فساد به دو طبقه تقسیم میشود:

طبقه اول، فساد کلان است که توجه به ارزش پولی مصداق فساد و یا گستره تأثیر آن در اقتصاد و یا نظام اداری و یا مقایسه آن با سایر مصداق فساد در سطح استانی، ملی، منطقه ای یا جهانی و یا موقعیت اشخاصی که مرتکب فساد میشوند و یا با ترکیبی از این عوامل تعیین میگردد؛ مانند: فساد در طرحها و پروژه های ملی و یا فساد در سطوح بالای دولت به معنی عام.

طبقه دوم، فساد خرد است که در نقطه مقابل فساد کلان قرار میگیرد. این نوع طبقه بندی را میتوان به طبقات بزرگ، متوسط و کوچک و یا طبقات دیگر تقسیم کرد. تعریف و تعیین چارچوب این طبقات با توجه به اوضاع و احوال و شرایط حاکم و امری نسبی میباشد

ج) طبقه بندی بر اساس سازمان یافته بودن ارتکاب فساد و یا عدم آن

مبنای این طبقه بندی، دو خصیصه کلی میباشد که یکی ارتکاب فساد به صورت انفرادی و یا جمعی و دیگری سازماندهی شدن و یا نشدن نوع و نحوه ارتکاب جرم است. بر این اساس، فساد سازمان یافته تلقی میشود که دارای دو ویژگی مهم باشد: اول اینکه به صورت جمعی انجام شود نه فردی. ویژگی دوم این است که تمام مراحل ارتکاب فساد اعم از برنامه ریزی و اجرا و یا بخشی از آن سازماندهی شده باشد. یعنی جهت اجرای پروژه فساد، تشکیلاتی با عضویت بیش از دو نفر ایجاد شود و برای هر یک از اعضای گروه، وظیفه و نقشی تعیین گردد و هیچکدام از افراد به تنهایی مرتکب فساد نشوند. بنابراین اگر چند نفر با اطلاع همدیگر به صورت انفرادی مرتکب یک جرم و یا چند جرم شوند، مرتکب جرم سازمان یافته نشده اند. البته اگر این وضعیت در سطح وسیعی باشد، میتوان آن را فساد سیستمی نامید.

د) طبقه بندی بر اساس انگیزه ارتکاب فساد

بر اساس این طبقه بندی فساد به هفت دسته تقسیم میشود:

دسته اول، ارتکاب فساد با انگیزه سیاسی است که با قصد مقابله، ناکارآمد نشان دادن یا ساقط کردن نظام سیاسی یا بخشی از آن یا سرنگونی یک حزب و گروه سیاسی صورت می گیرد. البته برعکس این نیت هم امکان پذیر است، مانند: ارتکاب فساد به قصد کمک به یک حزب.

دسته دوم، ارتکاب فساد با انگیزه‌های صرفاً اقتصادی است که در این صورت ارتکاب فساد با نیت رفع نیازهای ضروری زندگی یا تکاثر ثروت صورت میگیرد.

دسته سوم، فساد با انگیزه صرفاً فرهنگی است که در این شکل، شخص به دلیل اعتقاد ایدئولوژی، مسلک، مرام، مذهب و یا وابستگی به خرده فرهنگی، به نفع آنها مرتکب فساد میشود.

دسته چهارم، ارتکاب فساد با انگیزه صرف اجتماعی است که در این صورت شخص به دلیل وابستگی به یکی از طبقات جامعه و یا داشتن پایگاه اجتماعی ویژه و یا به علت وابستگی نسبی و سببی و یا اشتراک جغرافیایی مانند همشهری بودن، مرتکب فساد مالی میشود.

دسته پنجم، ارتکاب فساد با انگیزه تأمین هزینه اعمال غیراخلاقی میباشد.

دسته ششم، ارتکاب فساد با انگیزه اداری است که در این نوع فرد برای تحقق بخشیدن به اهداف سازمان و یا اهداف نظام حکومتی، با نادیده گرفتن مقررات دست و پاگیر و یا قوانین و مقرراتی که بدون کار کارشناسی و یا باکار کارشناسی کمتر و بدون توجه به واقعیات و قابلیت اجرایی تصویب شده اند، مرتکب فساد میشود و هیچگونه انگیزه مادی شخصی ندارد. در حقیقت از دیدگاه خودشان برای رسیدن به امر اهمی، امور مهمی را نادیده میگیرند.

دسته هفتم، ارتکاب فساد با انگیزه کلی کمک به هموعان است که در این صورت نیت خیرخواهانه است، ولی از قواعد تعیین شده برای انجام فعالیت تخطی نموده است.

البته لازم به ذکر است که در عمل، بیشتر ترکیبی از انگیزه های مذکور موجب ارتکاب جرم میشوند.

ه) طبقه بندی به لحاظ آثار فساد در اقتصاد، سیاست و سایر ابعاد

بر این اساس، فساد به چندین طبقه تقسیم میگردد که در ادامه وه توضیح سه دسته از این طبقه بندی میپردازیم:

دسته اول، فساد دارای آثار عمده اقتصادی است که از جمله میتوان به تخصیص نامناسب منابع، توزیع ناعادلانه درآمد، عدم امکان اجرای سیاستهای پولی- مالی بازرگانی، عدم اجرای صحیح سیاست های خصوصی سازی، عدم تعادل در اقتصاد و عدم امکان ایجاد تعادل حتی با دخالت دولت و ضربه به تولیدات داخلی اشاره نمود. مانند اعطای تسهیلات ریالی و ارزی برخلاف اولویتهای تعیین شده و به طور کلی مغایر مصالح کشور، مصرف تسهیلات دریافتی در غیر محل مقرر، مصرف منابع حاصل از بودجه های سالانه در غیر محل مقرر و قاچاق کالا.

دسته دوم، فساد مالی دارای آثار عمده سیاسی است که بیشتر شامل تخلفات مدیران عالی رتبه و افراد شاخص احزاب و گروه‌های سیاسی متنفذ میشود و موجبات بی اعتمادی مردم به نظام سیاسی را فراهم می نماید؛ البته این نوع فساد مومن است به لحاظ اقتصادی از ارزش زیادی برخوردار نباشد، ولی پیامدهای سیاسی منفی آن بسیار سنگین و قابل توجه میباشد.

دسته سوم، فساد دارای تبعات منفی عمده اداری است؛ مانند به هم خوردن نظم تعریف شده برای سازمان، عدم امکان برنامه ریزی واقع بینانه برای سازمان، غیرقابلپیش بینی شدن تنزل و یا ارتقاء اداری، افزایش هزینه انجام فعالیتهای سالم و یا سالم کارکردن، ترغیب دیگران وه ارتکاب فساد و تقلیل همنوایی با الگوهای اداری اعلام شده.

(و) طبقه بندی به لحاظ درآمدی و هزینه ای

بر این مبنا فساد به پنج دسته تقسیم میشود:

دسته اول، فسادی است که به طور محسوس و ملموس برای دولت بیشترین هزینه را داشته و کمترین هزینه و بیشترین فایده را برای متخلفین در بخش دولتی و خصوصی به همراه دارد و با سوء نیت انجام می شود؛ مانند اختلاس و کلاهبرداری.

دسته دوم، فسادی است که بیشترین هزینه را برای ارباب رجوع داشته و کمترین هزینه را برای دولت و بیشترین فایده را برای کارمند متخلف دولت دربردارد. مانند دریافت رشوه توسط مأموران شهرداری و مالیاتی با اغفال ارباب رجوع مبنی بر اینکه عوارض و یا مالیات و جریمه های متعلقه بیش از مقداری است که پرداخت می کنند. این در حالی است که درواقع حقوق متعلق به دولت را پرداخت کرده اند.

دسته سوم، فسادی است که در ظاهر، به طور محسوس دارای هزینه و فایده قابل توجهی برای دولت و یا بخش خصوصی و به طور کلی متخلفین نیست؛ مانند تصرف غیرمجاز در اموال و وجوه مشمول ماده 133 قانون مجازات اسلامی، ازجمله جابه جایی اعتبارات. البته این نوع فساد علاوه بر عدم رعایت اولویت های تعیین شده از سوی برنامه ریزان کشور، میتواند سازمانهای دولتی را نیز به لحاظ تأمین اولیه کارگران و کارمندان، دچار مشکل سازد. به این صورت که بخش عمده بودجه مربوط به این نیازها ممکن است در محلهای دیگری صرف شود و بودجه کمتری برای تأمین این نیازها باقی بماند.

دسته چهارم، فسادی است که بیشترین هزینه را برای دولت دارد و دارای کمترین هزینه و فایده برای متخلفین است همچنین متخلف در انجام آن سوءنیت هم ندارد؛ مانند تضييع اموال و وجوه دولتی در اثر اهمال و کوتاهی در انجام وظیفه موضوع ماده 133 قانون مجازات اسلامی.

دسته پنجم، فسادی است که به نفع مامور دولت و ارباب رجوع بوده و به ضرر دولت صورت می پذیرد، مانند عدم دریافت مالیات و یا حقوق و عوارض گمرکی و یا بخشی از آن توسط ماموران دولتی در قبال اخذ رشوه. این نوع فساد، فساد دزدانه و یا «ساخت و پاختی» نامیده شده است.

منظور از هزینه در این قسمت، هزینه های مستقیم اقتصادی فساد است و نه سایر هزینه های همچون، هزینه های اجتماعی و سیاسی و هزینه های غیرمستقیم اقتصادی فساد.

ز) طبقه بندی به لحاظ سیستمی (سامانه ای) بودن فساد و یا عدم آن

برای تبیین این تقسیم بندی، تعریفی باید از «سیستم» ارائه کرد. سیستم عبارت است از «مجموعه ای از اجزای مرتبط به هم که برای تطقق هدف با اهدافی طراحی شده باشد».

بنابراین در صورتی که میتوان فساد را سیستمی نامید که این عارضه، کل اجزای سیستم مورد نظر و یا اجزای اصلی آن سیستم را تحت سیطره خود گرفته باشد و انجام فعالیت اصلی منظور شده برای سیستم، بدون فساد امکانپذیر نباشد. حال ممکن است که انجام فعالیت در جهت مثبت باشد و یا منفی.

فساد سیستمی مراتب مختلفی دارد که میتوان آنها را تحت دو عنوان کلی «سازمانی» و «موضوعی» ذکر کرد. مراتب سازمانی آن عبارت است از گسترش فساد در سطح یک شرکت یا مؤسسه، یک وزارت خانه و شرکتهای و مؤسسات وابسته به آن، یک قوه و سازمانهای وابسته به آن و در نهایت فساد در سطح کل نظام حومومی. مراتب موضوعی شامل گسترش فساد در سطح یک بخش از سیستم اقتصادی یا سیاسی یا اجتماعی یا فرهنگی و یا شامل کل یکی از این سیستمها میشود. همچنین در سطح وسیعتر شامل کل سیستمهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میگردد.

البته برخی، فساد سیستمی را شامل گسترش فساد در کل سیستمها دانسته اند و فساد در سطح یک سازمان را «فساد نهادی» نامیده اند.

ح) طبقه بندی فساد بر اساس سطح ملی و فراملی

مبنای این طبقه بندی، گستره جغرافیایی وقوع فساد است. برخی از انواع فساد فقط محدود به قلمرو سیاسی یک کشور هستند؛ مانند ارتکاب اختلاس و ارتشاء در سازمانهای دولتی مستقر در داخل کشور. ولی برخی دیگر از انواع فساد در محدوده قلمرو دو یا چند کشور واقع میشود؛ مانند پرداخت پورسانت توسط یک شرکت خارجی به یک ایرانی.

ط) طبقه بندی فساد به لحاظ در قلمرو بخش دولتی و یا بخش خصوصی بودن

با توجه به گستردگی و غلبه بخش دولتی در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران، اکثر مفاسد مالی در این بخش صورت می‌گیرد و مقدار کوچکی منحصرأ در بخش خصوصی انجام می‌پذیرد.

بر این اساس، فقط فساد خصوصی تلقی می‌شود که منحصرأ در آن حیطة و بدون هیچ گونه ارتباط محرمانه با بخش دولتی، از جمله کارکنان دولت صورت بگیرد؛ مانند برخی از مصادیق قاچاق کالا و برداشتهای بدون مجوزی که در شرکتهایی صورت می‌گیرد که مدیران آن غیر از صاحبان سهام و مالکان هستند.

البته هرکدام از این مفاسد، به سهم خود میتواند موجب زیانهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور شود و به نسبت زیانها، میتواند در برنامه مبارزه با مفاسد دولت قرار گیرد.

لازم به ذکر است که با کوچک شدن دولت و گسترش بخش خصوصی و ایفای نقش بیشتر این بخش در اقتصاد کشور و به طور کلی در زندگی مردم، اهمیت و پیامدهای منفی جرایمی، مانند: خیانت در امانت، کلاهبرداری و جعل افزایش پیدا خواهد کرد و در آن حالت، مجازاتهای فعلی خیانت در امانت برای بسیاری از مصادیق کافی نخواهد بود. به عنوان نمونه، در این خصوص باید مجازات اختلاس را اعمال کنیم؛ این وضعیت به ویژه در شرکتهای سهامی عام محسوس خواهد بود.

ی) طبقه بندی فساد به لحاظ موضوعی

بر اساس این نوع طبقه بندی، فساد به انواع مختلف قانونی، گمرکی، بانکی، مالیاتی، بورسی، استخدامی، پروژه های عمرانی، خصوصی سازی، واگذاری امتیازات و امکانات دولتی، قاچاق دارو، چوب و سایر انواع قاچاق، قراردادهای مختلف بخش دولتی، قضایی، انتظامی و نظارتی و امنیتی، بهداشتی و شهرداری ها تقسیم میشود.

ک) طبقه بندی فساد بر اساس حقوق موضوعه

بر این مبنا، در حالت کلی تر و در مرحله اول به دو دسته «جرم» و «تخلف» تقسیم می شود و در مرحله دوم، جرم به انواع مختلف: «اختلاس، ارتشاء، اخذ پورسانت، اعمال نفوذ، تبانی در معاملات دولتی و غیره» تقسیم میگردد. تخلف هم میتواند شامل موارد زیر باشد: «ارائه گزارش خلاف واقع به سلسله مراتب اداری و یا اشخاص ذینفع، تبعیض در روابط کاری با ارباب رجوع، ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع، عدم رعایت مقررات مزایده و مناقصه، عدم رعایت صلاحیت فنی اشخاص در واگذاری کار به آنها، سوءاستفاده از اطلاعات در اختیار به نفع خود و یا دیگری، کوتاهی و اهمال در ثبت و ضبط و نگهداری اطلاعات و عدم واریز درآمدها به حساب خزانه».

ل) طبقه بندی فساد از منظر افکار عمومی

بر این اساس، انواع فساد ممکن است از دیدگاه افکار عمومی بسیار مذموم بوده و اصولاً به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارای توجیه منطقی نباشد؛ مانند اخذ رشوه برای زیاده طلبی و نه برای تأمین نیازهای اولیه زندگی، یا جابه جایی اعتبارات دولتی بدون هیچگونه توجیه اقتصادی و اجتماعی قابل قبول، در مقابل ممکن است انواع دیگری از آنکه در شرایط و اوضاع واحوال خاصی صورت میپذیرد، جابه جایی اعتبارات و اختصاص مبالغی برای رفع نیازهای اولیه کارکنان برخلاف مقررات، موجه قلمداد شود.

م) طبقه بندی از منظر توده های مردم و نخبگان جامعه

در این طبقه بندی، فساد اداری به سه دسته «سیاه، خاکستری و سفید» تقسیم بندی میشود.

فساد اداری سیاه به کاری گفته میشود که از نظر توده ها و نخبگان منفور است و عامل آن باید تنبیه شود؛ مانند دریافت رشوه برای نادیده گرفتن معیارهای ایمنی در احداث مسکن.

فساد اداری خاکستری به کاری اطلاق میشود که از نظر اکثر نخبگان منفور است، ولی توده های مردم در مورد آن بی تفاوت هستند. مانند کوتاهی کارمندان در اجرای قوانینی که در بین مردم از محبوبیت چندانی برخوردار نیستند و کسی غیر از نخبگان سیاسی به مفید آن معتقد نیست.

فساد اداری سفید شامل کاری میشود که ظاهراً مخالف قانون است، اما اکثر اعضای جامعه (نخبگان سیاسی و اکثر مردم عادی) آن را آنقدر مضر و با اهمیت نمی دانند که خواستار مجازات عامل آن باشند؛ مانند چشم پوشی از موارد نقض مقرراتی که در اثر تغییرات اجتماعی و فرهنگی ضرورت خود را از دست داده اند.